

به نام خداوند جان و خرد

بیانیه هشدار آمیز گروهی از متخصصان، هنرمندان و کارشناسان درباره برخی سیاست‌های فرهنگی و پیامدهای مخاطره‌آمیز آن برای کشور

هم‌میهنان پاکنهاد!

ملت تاریخی و بزرگ ایران!

ضمن ابراز شادباش جشن ملی نوروز و سال نو ایرانی خدمت شما هم‌وطنان گرامی، همان‌گونه که مستحضرید کشور عزیزمان ایران در شرایط بسیار حساسی است و بحران‌های بزرگی چون چالش‌های اقتصادی، گرانی، تورم و کاهش شدید ارزش پول ملی تا سردرگمی سیاست خارجی کشور و خطر احتمالی بروز جنگ، مهاجرت نخبگان و خروج سرمایه‌های مادی و معنوی کشور و ناتوانی دولتمردان در استیفای کامل حقوق شهروندان ایرانی، کشور را با مخاطرات بزرگی مواجه کرده است. ورود غیرکارشناسی بخش‌هایی از حاکمیت از جمله قوه مجریه به «مباحث قومی» به جای تمرکز و توجه به ابرچالش‌های پیش‌روی کشور و ملت ایران، خود زمینه‌ساز چالش‌های بزرگتری شده است. بر این اساس یادآور می‌شود:

یکم)

در آستانه نوروز ۱۴۰۴ خورشیدی، در اقدامی کم‌سابقه زمینه برگزاری مراسمی با عنوان «پیشواز از نوروز» و سپس «جشن نوروز» از سوی نهادهای مربوطه دولتی در برخی از استان‌های غرب و شمال‌غرب کشور فراهم شد، بدون اینکه از پیش، برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی شده‌ای درباره نحوه برگزاری و اجرای آن تدوین و تنظیم شود. در جریان برگزاری این مراسم، گاه شاهد بروز برخی رخدادها بودیم که نباید به سادگی از کنار آن گذشت. شورش‌ها و برخوردهای فیزیکی و اخبار منتشر شده، آنچه که با عنوان مراسم «پیشواز از نوروز» در برخی از استان‌های غرب و شمال‌غرب کشور از جمله استان کردستان و استان آذربایجان غربی رخ داد، فروکاستن نوروز از یک جشن بزرگ ملی ایرانی، به یک مراسم خرد قومی و طایفه‌ای و محلی بود! بی‌تدبیری دستگاه‌های مسئول و عدم آگاهی و تقلید ناشیانه از برخی کشورهای همسایه، که نوروز، جشن ملی‌شان نیست و دولتهایشان، دست‌کم تاکنون آن را به رسمیت نشناخته‌اند، در برپایی این برنامه‌های ناشایانه در استان‌های غرب و شمال‌غرب کشور، بی‌تأثیر نبوده است. آیا تصادفی بود که نهادهای مسئول، مجوز و زمینه برگزاری چنین مراسمی تقلیدی و بر ساخته‌ای را فراهم کردند؟!

از سوی دیگر شاهد بودیم، گردهمایی دیگری در شهر ارومیه در تاریخ دوم فروردین ۱۴۰۴ خورشیدی و به بهانه روز شهادت حضرت امام علی (ع)، با فراخوان و ابستگان به نهادهای عمومی و دولتی که بعضاً تقابل عریان ایشان با هویت و مدنیت ایرانی و به ویژه زبان ملی پارسی، زبانزد خاص و عام است و با حضور تأییدآمیز مقامات سیاسی - امنیتی استان آذربایجان غربی برگزار شد که با نمادها و شعارهای نفرت‌پراکنده قومی شماری از افراطی‌های قوم‌گرا و تجزیه‌طلب، رفتارهای سخیف آنان و تهدید دیگر هم‌میهنان با چماق‌های یک شکل به میتینگ از نفرت‌پرانی قومی و سیاسی مبدل شد. در این مراسم، شعارها و صداهای نابخردانه و سبکسرانه توسط تعدادی از قوم‌گرایان و تجزیه‌طلبانی سر داده شد که خود را در متن و حاشیه این مراسم، جای داده بودند، بی‌آنکه هیچ واکنشی توسط مقامات حاضر در این مراسم از جمله استاندار آذربایجان غربی - به عنوان رییس شورای تأمین امنیت استان - نشان داده شود.

یادآوری می‌کنیم که جشن نوروز، جشن باستانی، ملی و افتخارآمیز ایرانیان است و به هیچ قوم و قبیله‌ای تعلق ندارد و همه ایرانیان با هر زبان محلی و مذهبی، بخشی از جغرافیای معنوی این جشن بشمار می‌آیند. از همین‌رو برگزاری انحصاری جشن نوروز توسط یک گروه از ایرانیان و پاسخ متقابل و انحصاری به آن، توسط گروهی دیگر، آن‌هم با استفاده از ادبیات و رفتارهایی ایرنستیزانه، و همچنین اقدام مقامات کشوری و منطقه‌ای در اجازه دادن به «تفکیک قومیتی» در برگزاری جشن ملی نوروز، جز در راستای مطامع و منافع دشمنان ایران نبوده است و نخواهد بود. نوروز، جشن ملی و میهنی ایرانیان است و نمی‌تواند محل منازعات کاذب و مصنوعی قومی و قبیله‌ای باشد. از همین‌رو نحوه عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای دولتی در استان‌های غرب و شمال‌غرب کشور، بویژه در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، از نگاه ما اقدامی بغایت نگران‌کننده و تحریک‌کننده و شایسته نکوهش است.

دوم)

ایران خاستگاه برگزاری جشن نوروز است و بسیاری از ایرانیان از دیرباز و هم‌سأله این آیین و جشن ملی را طبق رسوم کهن ایرانی، شکوهمندانه گرامی و بزرگ می‌دارند. ولی در نتیجه برخوردهای سلیقه‌ای و ناسنجیده و گاه همراه با تحریف، تخفیف و تقلیل مسئولان کشور نسبت به میراث فرهنگی، تاریخی و تمدنی ایران به ویژه نسبت به جشن ملی نوروز، در آستانه نوروز ۱۴۰۴ خورشیدی شاهد بودیم که رئیس‌جمهور ترکیه - البته با همراهی و زمینه‌چینی بعضی جریان‌های قوم‌گرای داخلی - به توهم «مصادره نوروز» گرفتار شود و گستاخانه ادعای ثبت جشن نوروز را به نام «جهان خیالی ترک» بیان کند و در ادامه، تبریز عزیز و باشکوه، پاره تن و یکی از میراثداران فرهنگ کهنسال ایران بزرگ را جزئی از میراث معنوی کشور خود اعلام کند! و اخیراً از سکوت ناموجه و نابخشودنی مسئولان ما در پاسخ به این ادعاهای بی‌اساس! البته این سکوت، استمرار سیاست‌های غلط فرهنگی چند دهه اخیر مسئولان کشور است که به بیگانگان اجازه داده است تا به فکر مصادره میراث فرهنگی، تاریخی و تمدنی ایران زمین باشند. ما، گروهی از دغدغه‌مندان فرهنگ و تاریخ و یکپارچگی ایران عزیز، عمیقاً نگران تحریف، تخفیف، تقلیل و مصادره جشن نوروز با هر عنوانی هستیم.

(سوم)

در چند ماهی که از فعالیت قوه مجریه در دوره چهاردهم می‌گذرد، همگی دیده و شنیده‌ایم که در مجموعه ده‌ها سخنرانی و نوشته عالی‌ترین مقام اجرایی کشور، بارها واژگانی چون «قومیت»، «قوم»، «اقلیت» و مانند آن به نادرستی و نابه‌جا به کار رفته است و حتی در کمال تعجب از «حقوق طبیعی» و «حقوق شهروندی» شهروندان ایرانی به عنوان «حقوق قومی» آنان یاد شده است! حال پرسش این است؛ در شرایطی که تمامی حقوق آحاد ملت ایران، ذیل مفهوم دقیق، شایسته و درست «حقوق شهروندان ایرانی» احصا می‌شود، چرا آقای مسعود پزشکیان و اطرافیان تأثیرگذار ایشان، اصرار و تأکید مؤکد دارند که با نگاه قومی و رویکرد قومی و مذهبی، به عموم مردم نگریسته شود یا حقوق‌شان از این منظر مطرح گردد؟! آیا این رویکرد، تصادفی است یا دلایل دیگری دارد؟! آیا به پیامدهای مخرب چنین کاربردهای غیر علمی ولی با بار حقوقی و تبعات بسیار آگاه‌اند؟!

(چهارم)

سوء استفاده و تحریف اصل پانزدهم قانون اساسی کشور و طرح کارشناسی نشده «آموزش زبان‌های قومی و محلی»، آن‌گونه که مطرح‌کنندگان در هیئت وزیران (از جمله سخنگو و معاون پارلمانی قوه مجریه) و برخی نمایندگان مجلس می‌گویند و اصرار می‌کنند، بی‌هیچ گمان و گزافه‌ای، موجب تضعیف زبان ملی و رسمی کشور، یعنی زبان تمدنی، دیرسال، نجیب و بارور فارسی می‌گردد و نتیجه این تضعیف نیز تک‌پاره شدن زبانی و فرهنگی و سرانجام از هم‌گسختگی ارکان کشور و ... است، چیزی که خواست قلبی دشمنانی است که دور و بر ایران عزیز، دندان تیز کرده‌اند تا با همراهی اطلاعاتی و لجستیکی سرویس‌های جاسوسی فرماندهی و همدستان منطقه‌ای‌شان، به آن دست یابند.

(پنجم)

در کشوری مانند ایران، معمولاً مسئولان همچون دیگر ایرانیان با بیش از یک زبان یا گویش آشنا هستند، ولی مطابق عرف و سنت تاریخی ایران و همچنین مطابق قانون اساسی کشور و عرف دیپلماتیک در همه جهان، باید در گفتگوهای داخلی و خارجی و از جمله گفتگوهای رسمی اداری و سازمانی و نشست‌های خبری و علمی، خواه مکتوب و خواه به صورت شفاهی، به زبان ملی و رسمی کشور سخن گفته و نوشته شود. شوربختانه و در کمال شگفتی شنیده شده که استانداران و مدیران برخی مناطق و اعضای شورای شهر برخی شهرها، در نشست‌های رسمی اداری با مدیران استان و شهرستان، به زبان محلی سخن می‌گویند! حتی استاندار خوزستان، آن‌هم در استانی با زبان‌های محلی متنوع، عید سعید فطر را به یک زبان محلی تبریک گفته است و با این کار خود، «عیدی دینی» را به «عیدی قومی» تقلیل داده است!

(ششم)

شاهد آنیم که بخشی از دولتمردان، در شرایط بسیار سخت و دشوار اقتصادی و بین‌المللی کشور، به جای پرداختن به مسائل اصلی کشور از جمله چالش‌های بزرگ اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی که زندگی جاری مردم را با بحران جدی مواجه کرده است، به بحث‌های نابه‌نگام و تفرقه‌افکن و انسجام‌سوزی چون طرح بحث «فدرالیسم» با استناد ناموجه و عجیب به برخی متون دینی، یا تشویق صریح نخبه‌های کشور به جلای وطن، آن‌هم با تکیه به فهمی نادرست از منابع دینی، یا تحریف اصل پانزدهم قانون اساسی از زبان سخنگوی قوه مجریه، یا اصرار بر اعزام سفیرانی به کشورهای همسایه یا انتصاب مدیرانی که مواضع آشکاری در قومگرایی و تقابل با زبان و فرهنگ ایرانی و وحدت ملی دارند و سکوت در برابر سخنان خلاف واقعیات تاریخی و یکپارچگی سرزمینی و انسجام فرهنگی ایرانیان توسط استاندار آذربایجان شرقی درباره پیوند آذربایجان با ایران، یا خطاب کردن استانداران به عنوان «رئیس‌جمهور استان‌ها»، دیدار عالی‌ترین مقام اجرایی کشور با برخی افراد افراطی قومگرا و ستیزجو با ارکان هویت ملی ایران و سوءتدبیر استاندار آذربایجان غربی در رخدادهای هفته‌های اخیر شهر ارومیه، وارد شده‌اند.!

این دست از موضوعات انسجام‌ستیز برای امضاکنندگان این بیانیه و شمار قابل‌توجهی از شهروندان ایرانی که نگران سرنوشت کشور هستند، جای پرسش و نگرانی جدی دارد. بهر استی برای ما شگفت‌آور است که بخش‌هایی از حاکمیت و از جمله بخش‌هایی از قوه مجریه، «قومی‌سازی مناسبات اجتماعی» را به جای مواجهه اصولی با چالش‌های کشور برگزیده است!

هم‌میهنان گرامی و ارجمند!

ما امضاکنندگان بیانیه، هشدار می‌دهیم، اکنون که دشمنان ملت ایران به دنبال فعال کردن گسل‌های قومی در کشور هستند تا به مقاصد شوم خود برای برهم زدن یکپارچگی ایران عزیز دست یابند. آیا وقت آن نرسیده است تا مسئولان و مدیران ناکارآمد و بعضاً موافق با رخدادهای ناگوار پیش گفته در برخی استان‌ها، از کار برکنار و برای اقدامات مخرب و یا سکوت همراه با تأیید خود، مؤاخذه شوند؟ آیا نباید در انتخاب استانداران و دیگر مدیران ارشد استانی و شهرستانی، بدون توجه به مسائل قومی، زبانی و مذهبی، ویژگی‌هایی چون کارآمدی، تخصص، خوشنامی، ایران‌دوستی و وطن‌خواهی ملاک باشد؟ بهر استی آیا زمان آن نرسیده است تا از طرح مسائل قومی و شعارهای تفرقه‌افکنانه و تجزیه‌طلبانه و آوردن پرچم کشور‌های بیگانه در ورزشگاه‌های کشور جلوگیری شود و با عوامل داخلی و خارجی چنین اقدامات ضد ملی برخورد شود؟!

ما امضاکنندگان این بیانیه، ضمن هشدار دوباره به دولتمردان درباره اتخاذ رویکردهای غیرکارشناسی و وفاق‌سوزی که در پیش گرفته‌اند، یادآور می‌شویم که چنین روش‌هایی به جز تهدید انسجام و امنیت ملی و تقویت واگرایی و منازعات خانمان‌سوز محلی، آورده دیگری برای کشور و ملت بزرگ ایران ندارد. با تأکید یادآور می‌شویم که در صورت تداوم چنین رویکردهایی، سکوت را خیانت به آینده ایران و بازی در برنامه دشمنان کشور برای تهدید تمامیت ایران ارزیابی نموده و در قبال مسئولیت ملی و تاریخی خود نسبت به سرنوشت کشور و ملت ایران، روشنگری و کنشگری مدنی و ملی خود را با جدیت بیشتر، ادامه می‌دهیم.

پاینده و سر بلند باد ایران و ایرانی

فهرست امضا کنندگان: